



شماره ۳، سال اول - آذرماه ۱۳۸۳ برابر با دسامبر ۲۰۰۴

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

مسعود هارون مهدوی

سرنوشت حرکت های غیرمردمی شکست است

ترفند تازه ای که کارگردانان، تنظیم کنندگان و حمایت کنندگان آن امیدوار بودند بتواند مسیر مبارزه آزادی خواهانه ملت ایران را به بیراهه بکشانند، در اثر آگاهی، هوشیاری و قاطعیت مردم با شکست روبرو شد.

از مدتها پیش آشکار بود که پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، جناحهای قدرت در حاکمیت، برای جبران شکستی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی نصیبشان شده بود و جلوگیری از شکست سنگین تری که بی تردید در انتخابات آینده با آن روبرو خواهند بود، پیش از انجام انتخابات ریاست جمهوری اسلامی دست به ترفندهای تازه ای بزنند که در یک مورد می توانست این باشد که یکی از وابستگان به ظاهرپیشیمان شده نظام، نامزد ریاست جمهوری اسلامی شود و با رد صلاحیت او توسط شورای نگهبان، جنجال تبلیغاتی بزرگی بسود او برپا گردد و مردم جان به لب آمده ایران را به امید رسیدن به ساحل نجات به گردابی هایل هدایت کنند. کم و بیش نظیر ترفند و حرکتی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ صورت گرفت.

چون روشن بود که مردم را نمی توان در طی هشت سال با همان ترفند به اشتباه انداخت، این شیوه عمل با تنگناهایی روبرو شده و از دستور کار خارج گردید. از این رو طرح دیگری تنظیم شد که عده ای که در داخل کشور اقامت دارند و در گذشته با جناح کارگزاران سازندگی در ارتباط بودند، برخی از مشروطه خواهان خارج کشور و جناحی از چپ که از اصلاح طلبان حمایت می کنند در تهیه آن همکاری داشتند. نتیجه این همکاری فراخوانی بود که با امضاء تنی چند از اصلاح طلبان درون حاکمیت منتشر شد.

از بیان دلایل حقوقی و فلسفی این فراخوان در می گذریم، چون پیرامون آن بحث منطقی بسیاری از سوی صاحب نظران و آگاهان سیاسی ارائه شده و نیاز به تکرار آن نیست. ما تنها به ارائه دلایل سیاسی در رد آن بسنده می کنیم.

۱- به چه دلیل فراخوان توسط کسانی امضاء شده است که نه تنها هیچگونه پیشینه مبارزه ملی و آزادیخواهانه ندارند، بلکه گذشته سیاسی آنان نشان می دهد کم و بیش در خط ضد حاکمیت ملی با سردمداران جمهوری اسلامی همکاری داشته اند؟

۲- چرا این دعوت به شرکت در همه پرسی، پیش از انجام انتخابات ریاست جمهوری اسلامی مطرح شده است؟ آیا منظور این نبوده که شکست در انتخابات انجمن های استان و شهرستان و سپس مجلس اسلامی را با حضور مردم در یک همه پرسی از میان بردارند؟

بقیه در ص ۲

با توجه به اعلامیه فراخوان ملی برگزاری رفراندوم،

بخاطر وظیفه ملی و میهنی می بایستی در این مورد، نظر خود و عده ای از همگامان سیاسی (طرفداران حکومت پادشاهی مبتنی بر پارلمان و حکومت جمهوری دموکراتیک)، را اعلام دارم. با برگزاری رفراندوم برای تعیین نظام آینده کشور، هیچکس نمی تواند موافق نباشد اما می بایست به چند نکته اصولی در ارتباط با این فراخوان توجه شود. در فراخوان رفراندوم چگونگی انجام رفراندومی که آنها مطرح نموده اند به هیچ وجه روشن نیست و مسکوت مانده است. در بالای این اعلامیه گفته شده، رفراندوم برای تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین پیش نویس قانون اساسی و تعیین نوع نظام، گام اول حیاتی است. اما در قسمت پایین اعلامیه (محل امضاء)، آنجا که سخن از همه پرسی بمیان می آید، تنها در مورد مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی ذکر شده؟! بطور کلی، این اعلامیه نه تنها از شفافیت برخوردار نیست بلکه همراه با ابهامات و ناهمخوانیها همراه است.

یک رفراندوم تحت چه شرایطی و از طرف چه کسانی؟

هدف از برگزاری یک رفراندوم ملی عبارت است از:

- ۱- آگاه شدن از خواست و نظر مردم نسبت به ستوال مطرح شده
- ۲- به اجرا درآوردن نتیجه همه پرسی

الزاماً برای اجرای یک رفراندوم ملی، احتیاج به یک فضای آزاد برای ارائه نظر و رأی راستین ملت است. پیش از آن، فراهم نمودن امکانات و زمان کافی برای آگاه نمودن مردم نسبت به هدف از همه پرسی و ضمانت اجرای نتیجه رفراندوم واجب و حتمی می باشد حال با توجه به خصوصیات نظام و رهبران جمهوری اسلامی ایران چطور می توان انتظار داشت که بنا بر خواست این فراخوان، امروز که کلیه رسانه ها تحت کنترل و سانسور قرار دارند، احزاب سیاسی حق فعالیت ندارند و اینکه آقایان رفسنجانی و دیگر اعضای مافیای آخوندی حتی به قیمت از بین بردن تمامیت ارضی و نابودی ملت ایران جای خود را ترک و کنار نخواهند رفت، نتیجه این همه پرسی، تازه اگر که به نحو احسن صورت گیرد، به اجرا در آید. سازمان ملل هم نخواهد توانست نتیجه مثبت یک همه پرسی را در ایران به اجرا در بیاورد، مگر با زور و خشونت. به همین خاطر از ملت ایران خواستاریم که این فراخوان را با اندیشه و تفکر بیشتر و احساس مسئولیت مورد بررسی قرار داده و در حال حاضر با توجه بقیه در ص ۸

ایران متعلق به همه ایرانیان است

